

طرشت باشکوه

روزگاری نه چندان دور در اراضی طرشت تا چشم کار می کرد زمین های زراعی گندم و جو دیده می شد و نیز باغ های انبوه میوه که طرشت را به گستره ای سبز در غرب پایتخت تبدیل کرده بود. اگر چه امروز بسیاری از باغ های طرشت از بین رفته و زمین های زراعی آن نیز به خاطر ها پیوسته، اما هنوز هم این محله غربی پایتخت یادگاری های آن آبادی سرسبز را حفظ کرده است؛ از آداب و فرهنگ خاص غذایی طرشت تا بنای باقیمانده از آسیاب کهک، بقعه شیخ طرشتی و نیز بزرگان و شخصیت های برجسته ای که با هویت این آبادی گره خورده اند. مطالب این پرونده حاصل چهارمین نشست پژوهشی محله من است که به همت مرکز تهران پژوهی موسسه همشهری با حضور علیرضا زمانی، تهران پژوه، زهرا محمدی، زهرا تیموری، رضا طرشتی نژاد، غلامرضا حسینمردی، محمدصادق لطفعلی خانی و محمد باقر حسینمردی از اهالی قدیمی محله طرشت برگزار شد.



پیشینه بقعه ای از میان رفته، پیش از حصار صفوی



روایتی از طایفه های طرشتی و مالکان بزرگ روستا



■ موضوع: طایفه های محله طرشت
■ ویژگی: اصالت و مردمداری

ارشاد نوربخشیه، به فرزندش شاه قاسم فیض بخش رسید. شاه قاسم سی و اندی سال قبل از شکل گیری حصار طهماسبی در طرشت زندگی می کرد و بعد از مرگش در سال ۸۹۹ شمسی در همین محدوده کوچک شاه قاسم که بخش شمالی قبرستان طرشتی ها بود، به خاک سپرده و بقعه ای برای او ساخته شد. به گفته اهالی، بقعه کوچک شاه قاسم در قبرستان روستا قرار داشت، اما بر اثر زلزله و با خیابان کشی ها، دیگر اثری از این بقعه نیست. همچنین شاه قاسم فیض بخش، پسری به نام بهاءالدوله بن شاه قاسم رازی داشت که در محله طرشت زندگی می کرد و در طب و پزشکی مهارت داشت. مهم ترین کتاب بهاءالدوله رازی خلاصه التجارب به فارسی و در پزشکی است که وی آن را در سال ۸۸۰ شمسی در قریه طرشت ری نوشت.

تهران و اطراف» که سال ۱۳۶۱ در مجله آینده منتشر شده درباره مزار شاه قاسم در طرشت مطالبی را عنوان و روایت می کند: «در فاصله چندصد متری شمال مزار شیخ عبدالله طرشتی، کوچه ای به نام کوچه «شاه قاسم» وجود دارد و اهالی محل به دلیل اینکه سابقا میدانی در آنجا وجود داشته است به آن حدود میدان شاه قاسم نیز می گویند. شاه قاسم فیض بخش، فرزند سید محمد نوربخش است. نوربخش از اکابر عرفای قرن نهم است که سلسله نوربخشیه از فرق بزرگ صوفیه بدو منسوبند. قبل از اینکه صوفیه روی کار آیند و شاه طهماسب، حصار ری به دور تهران بکشد و آن را جلوه شهرت بیخشد، نوربخشیه فعالیت گسترده ای در روستاهای اطراف تهران مثل طرشت و سولقان داشتند و پیروان زیادی پیرامون آنها جمع بود. وقتی سید محمد نوربخش از دنیا رفت، منصب

■ موضوع: شاه قاسم، فرزند سید محمد نوربخش
■ ویژگی: عارف محله طرشت

شاه قاسم معروف محله طرشت، عارف ایرانی قرن های نهم و دهم هجری در زمان حیاتش اقدامات ارزشمندی را برای قریه ری و طرشت به یادگار گذاشته است. شاه قاسم، فرزند سید محمد نوربخش، بنیانگذار طریقه نوربخشیه بود. نام صحیح و کامل او در پایان نسخه خطی خلاصه التجارب، به عنوان شاه قاسم پسر شمس الدین محمد نوربخشی، ذکر شده است. مقبره شاه قاسم رویه روی مسجد واقع شده بود و گنبدش نیمه کاره و خراب و حدود ۱۰ تا ۱۵ متر ارتفاع داشت. مرحوم محمد تقی مصطفوی، نویسنده کتاب «آثار تاریخی طهران» در مقاله ای با نام «آثار تاریخی

ارباب و خرده مالک در محله طرشت کنار هم زندگی می کردند و خاندان ملاک و زمین دار سعی می کردند هوای دیگر اهالی روستا را داشته باشند. حسینمردی ها بزرگ ترین طایفه در طرشت محسوب می شوند و بعد از آنها طایفه زمانی ها و تیموری ها هستند. محمد حسینمردی که خود از طایفه بزرگ حسینمردی هاست درباره نام این طایفه روایتی را نقل می کند: «طرشتی ها عادت داشتند در زمان جنگ به روستای حصارک در غرب تهران بروند. این روستا موقعیت خوبی برای در امان ماندن از گزند دشمنان داشت. زمانی که اشرف افغان به تهران حمله کرد، مردی به نام حسین که از بزرگان طرشت بود، به همراه خانواده و دیگر اهالی به حصارک می رود و بعد از چند روز به روستا بازمی گردد تا سری به خانه و دام و طیورش بزند. تعدادی سرباز را دور هم می بیند که در حال غذا خوردن هستند. آنها او را به خوردن طعام دعوت می کنند، حسین هم می پذیرد. سربازها به خاطر دل نترس حسین به او لقب مرد می دهند و از آن پس همه به حسین، حسین مرد می گفتند و اینگونه نام حسینمردی ها برای خاندانش باقی ماند.»

محمد حسینمردی طایفه های اصلی طرشتی را حسینمردی ها، تیموری ها و زمانی ها معرفی می کند، اما طرشت هم مانند بسیاری از روستاهای تهران مهاجرانی داشته که از روستاها و شهرهای دیگر به آنجا آمده اند. رضا طرشتی نژاد از مردان جوان طرشتی می گوید: «برخی از حسینمردی ها فامیلشان را به طرشتی تغییر دادند. علاوه بر این، طایفه های بزرگ دیگری در طرشت زندگی می کنند که اصالتا طرشتی نیستند، ولی سال های زیادی است در این محله ساکن شده اند. در حقیقت دیگر خودشان طرشتی شده اند. خاندان اکبری از قزوین، خاندان محمدی از لرستان، خاندان حاج حسینی از شهر بوم، خاندان لطفعلی خانی از اصفهان به طرشت آمدند و در کنار عابدینی در طرشت ساکن شدند.» بیشتر مالکان و باغداران طرشتی از طرشتی های اصیل و خاندان معروف آن بودند. بزرگان این طایفه ها موقوفه های زیادی برای طرشت برجا گذاشته اند؛ مثلاً موقوفه حاج محمد رضا و موقوفه حاج عباسقلی بخش زیادی از اراضی طرشت را در بر می گیرد.



قصه زهره خانم و نخستین مدرسه دخترانه طرشت

■ موضوع: مدرسه شهید فرهاد حسینمردی و مدرسه حسینیه
■ ویژگی: نخستین مدرسه طرشت

ماجرای راه اندازی مدرسه و باسواد شدن بچه های محله طرشت با نام زانی گره خورده است که همه هم و غمشان رشد و تعلیم بچه های روستا بود. بچه های طرشت قبل از اینکه مدرسه دار شوند و پشت نیمکت های چوبی بنشینند به مکتب می رفتند؛ مکتب خانه عالم خانم، عذر خانم، صغرا خانم هایی که اتفاقاً با همدیگر جاری هم بودند و رقیه خانم. مکتب خانه های روستای طرشت را زنان مدیریت می کردند و دختر و پسر بچه ها در آن درس قرآن و نماز می خواندند.

زهرا تیموری، متولد ۱۳۳۴ شمسی، بانوی طرشتی که سال ها مدیرت مدرسه حسینیه و نوش آفرین خانم طرشت را بر عهده داشت می گوید: «بچه های طرشتی اول به مکتب خانه می رفتند تا اینکه بانو نوش آفرین نخستین مدرسه طرشت را در مقطع دبستان وقف کرد. این مدرسه دولتی بود و دختر و پسر آنجا درس می خواندند. یادم می آید والدینم اجازه رفتن به مدرسه نوش آفرین خانم را به من ندادند. البته بسیاری از دختران طرشت این اجازه را دریافت نکردند. بعدها خاله ام به نام «فرح زهره» یک مدرسه در خانه اش راه اندازی کرد و من و دیگر دخترانی که شرایطمان یکسان بود آنجا مشغول درس خواندن شدیم. کمی بعدتر زهره خانم نخستین مدرسه ملی طرشت را که به جامعه تعلیمات اسلامی وابسته بود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی راه اندازی کرد و اسمش را دبستان حسینیه گذاشت. زهره خانم مدرسه راهنمایی را هم راه اندازی کرد. مدرسه حسینیه هنوز هم فعال است. بعد از انقلاب مدرسه نوش آفرین خانم به مدرسه شهید فرهاد حسینمردی

تغییر نام داد. شهید فرهاد حسینمردی نخستین شهید مفقودالثر طرشت بود. این مدرسه در دو نوبت دخترانه و پسرانه فعال بود که همچنان در هایش به روی دانش آموزان باز است.» زهرا تیموری از نخستین دانش آموزان مدرسه حسینیه طرشت که بعدها به عنوان مدیر مدرسه به کار خود ادامه داد، می گوید: «۱۶ سال در مدرسه حسینیه و ۴ سال نیز در مدرسه فرهاد حسینمردی مدیر مدرسه بودم. یادم می آید در مدرسه حسینمردی با همان نوش آفرین خانم که یکی از واقفان بزرگ غرب تهران بود، وقتی پنجره مدرسه را باز کردم، پنجره به دلیل فرسودگی افتاد. از همان روز به فکر پیگیری نوسازی مدرسه افتادم و از سازمان اوقاف و امور خیریه اعتبار گرفتم. در جوار مدرسه سه زمینی خالی بود که آن زمین هم وقف بود. خوشبختانه تلاش هایم نتیجه داد و آنجا دبیرستان حسینیه را ساختیم.»